

## بررسی تطبیقی خلقت آدم و حوا در قرآن و کتاب مقدس عبری

سامره رضایی

(دانش‌آموخته سطح سه مدرسه علمیة نرجس)

### چکیده

یکی از مشترکات کتاب مقدس و قرآن، بحث خلقت آدم و حوا است. طبق کتاب مقدس، موضوع آدم فقط در دو قسمت از سفر پیدایش بحث شده است و بنابر آن، خداوند آدم را از خاک آفرید و سپس خوابی عمیق بر وی مستولی کرد و آنگاه گوشتی از دنده‌های وی برگرفت و از آن، زنی خلق کرد. این عبارات در یهودیت، موجب پیدایش تفسیری ظاهری از متن شده و بر آن است که جنس مرد بر زن برتری دارد. اما ضمن اینکه بحث خلقت آدم در قرآن با تفصیل بیشتری آمده است، باید گفت که آدم و حوا هر دو از خاک آفریده شده‌اند. بنابر دیدگاه قرآن، خلقت حوا از دنده‌های آدم شدیداً تکذیب شده و بنابر تفاسیر امامیه حوا از باقی‌مانده خاک آدم آفریده شده است. همچنین که بنابر قرآن، خلقت آدم و حوا هر دو مستقل و از یک جنس بوده است و هیچ‌یک فرع و طفیلی دیگری نیست و هریک شخصیت مستقل دارد و خداوند هم به زن و هم مرد مستقلاً ارزش داده است.

**کلید واژگان:** خلقت انسان، آدم •، حوا، حقوق بشر، قرآن، کتاب مقدس عبری،

یهودیت.

## مقدمه

موضوع این تحقیق، بررسی تطبیقی خلقت آدم و حوا در قرآن و کتاب مقدس عبری و بحث در چگونگی خلقت آدم و حوا است و اینکه آیا این دو از یک جنس بوده‌اند و خلقتی جداگانه داشته‌اند و یا یکی اصل و یکی تابع و طفیلی دیگری بوده است؟

سابقه این موضوع از زمان خلقت آدم • مطرح بوده؛ به طوری که در کتب ادیان مختلف و به ویژه ادیان الهی به آن پرداخته شده است. در عصر حاضر که موج آزادی خواهی و رعایت حقوق بشر روبه افزون است، بحث حقوق زنان نیز از چالش‌های اساسی است و اگر بخواهیم نگاه کتب مقدس ابراهیمی را در این موضوع بدانیم، شایسته است موضوع خلقت انسان بیشتر بررسی شود. این تحقیق، بنیادی، تاریخی است و براساس روش توصیفی، تحلیلی و طریق کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

## بخش اول. مفهوم‌شناسی

**یهود:** واژه یهود از «هود» گرفته شده و به معنای توبه<sup>۱</sup> و بازگشت است.<sup>۲</sup> حدود هزارسال قبل از میلاد مسیح در اطراف نهروان و بحر المیت قوم کوچکی زندگی می کردند که آنان را عبرانیان، بنی اسرائیل و یا یهود می خواندند و یهود امت موسی • است؛<sup>۳</sup> از این رو به خاطر انتساب یهود به ایشان، موسوی و یا کلیمی نیز خوانده می شوند. برخی سبب اطلاق این لفظ را این می دانند که یهود منسوب به اولاد بزرگتر یعقوب یعنی جناب «یهودا» است.

به یهودیان در تاریخ پیش از سکونت در فلسطین و زمان حضرت موسی •، عبرانی می گفتند و پس از آن، بنی اسرائیل و سپس به یهود شهرت یافتند.

**آدم:** پدر بشر، بعضی گفته‌اند به علت گندم‌گونی‌اش به این نام خوانده شده است.<sup>۴</sup> و برخی نیز معتقدند آدم به این نام خوانده شد چون بدن او از خاک است.<sup>۵</sup>

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۷۶

۲. رضا مهیار، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۲۷۰.

۳. میرحامدحسین هندی نیشابوری، عمق‌الانوار فی امامة ائمة الاطهار، ج ۱، ص ۶۷۲.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ج ۱، ص ۷۰.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۲.

**حوا:** از الحوه به معنی سیاه مایل به سبز است و گفته شده که لب حوا سرخ مایل به سیاه بود.<sup>۱</sup> اسم مادر بشر، و معنی حوا این است که او از زنده (آدم) خلق شده است.<sup>۲</sup>

**کتاب مقدس:** عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه، و یهودیان بخش اول آن را کتاب آسمانی و الهی خود می‌دانند و صحیح آن است که این بخش با عنوان کتاب مقدس عبری خوانده شود زیرا واژه عهدین، تلقی مسیحیت از دو عهدی است که یهودیت هرگز آن را نمی‌پذیرد.<sup>۳</sup>

**زبان عبری:** زبان قوم بنی اسرائیل، عبرانی بوده است و آن، زبانی از شعب زبان‌های سامی است و قوم بنی اسرائیل در زمانی که ملتی مستقل تشکیل داده بودند، بدان مکالمه می‌کردند. اصل کتاب مقدس یهود نیز به این زبان بوده است.<sup>۴</sup>

### فصل اول: خلقت آدم و حوا در کتاب مقدس عبری

یهودیان معتقدند که حضرت اسحاق • جانشین پدر خود حضرت ابراهیم • گردید و بعد ایشان یعقوب که دوازده پسر داشت، به اسرائیل ملقب شد. سپس یکی از نوادگان لاوی دارای فرزندی شد که موسی نام گرفت و به پیامبری مبعوث شد.<sup>۵</sup> یهودیان مدعی هستند که شریعت یکی بیشتر نیست و آن شریعت موسی است که در تورات، اولین کتاب آسمانی آمده است و لذا آنچه به ابراهیم • و جز او فرود آمده است، عنوان کتاب ندارد؛ بلکه صحف است.<sup>۶</sup>

کتاب مقدس عبری، مرد را در آفرینش، اصل می‌داند و معتقد است که وی از خاک آفریده شده است. آن‌گاه زن از زواید مرد و به صورت یک فرع آفریده شده است و در نتیجه، تلقی و باور کتاب مقدس بر آن است که زن طفیلی مرد است.

اینک برخی آیات این کتاب را در باب خلقت آدم و حوا بررسی می‌کنیم.

۱. خدا گفت: «آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهاییم بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت نماید؛ پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، کتاب مقدس، ص ۱۹.

۴. محمد معین، فرهنگ فارسی: ج ۵، ص ۱۱۵۶.

۵. حسین توقیفی، آشنایی با ادیان بزرگ: ص ۷۰-۸۱.

۶. میرحامد حسین هندی نیشابوری، همان، ص ۶۷۲.

ماده آفرید و خدا ایشان را برکت داده و فرمود: بارور و کثیر شوید، زمین را پر سازید، در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند حکومت کنید.<sup>۱</sup>

۲. «هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید، هیچ بوته و گیاهی بر زمین نروییده بود؛ زیرا خداوند هنوز باران نبارانیده بود. همچنین آدمی نبود که روی زمین کشت و زرع کند ... آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت، سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به او جان بخشید و آدم موجود زنده‌ای شد ... خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری کند و به او گفت که از همه میوه‌های باغ درختان بخور، به جز میوه درخت شناخت نیک و بد؛ زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی مرد. خداوند فرمود شایسته نیست آدم تنها بماند باید برای او یار مناسبی به وجود آورم. آنگاه خداوند همه حیوانات و پرندگانی که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام‌هایی بر آنها خواهد گذاشت. بدین ترتیب، تمام حیوانات و پرندگان را نام‌گذاری کرد؛ اما برای او یار مناسبی یافت نشد. آنگاه خداوند آدم را به خوابی عمیق فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده، زنی را سرشت و او را پیش آدم آورد. آدم گفت این استخوانی است از استخوان‌هایم، گوشتی از گوشتم، نام او نساء باشد چون از انسان گرفته شده است.<sup>۲</sup> محیط بحث ما گرچه فقط کتاب مقدس عبری است؛ اما از آنجاکه مسیحیت نیز به کلیات خلقت انسان در کتاب عهدعتیق وفادار است، لذا فقط اشاره‌ای مختصر به عهدجدید می‌کنیم.

آیات عهدجدید، خلقت آدم و حوا را به‌طور اجمال بیان کرده و آنچه را که در عهدقدیم آمده پذیرفته و به توضیح آنچه در کتاب پیشین آمده، اکتفا کرده است. مثلاً عهدجدید، خلقت زن را از مرد دانسته است:

«اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌سازد... زیرا که مرد از زن نیست؛ بلکه زن از مرد است و نیز مرد به‌جهت زن آفرده نشده؛ بلکه زن برای مرد، از این جهت باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان.»<sup>۳</sup>

و نیز می‌خوانیم که: «آدم، اول ساخته شد و بعد حوا. آدم فریب نخورد؛ بلکه زن

۱. پیدایش، ۱: ۲۶-۲۸.

۲. پیدایش، ۲: ۴-۲۳.

۳. اول قرنتیان، ۱۱: ۴-۱۰.

فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد.<sup>۱</sup>

### فصل دوم: خلقت آدم و حوا در قرآن

قرآن، آیات فراوانی را به بحث خلقت انسان اختصاص داده است. بعضی از این آیات، ماده اولیه خلقت و بعضی هم مراحل خلقت را از ابتدا تا یک انسان کامل بیان کرده است. اینک این آیات را مرور می‌کنیم.

۱. «إِن مِّثْلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۲</sup> «مثل عیسی در نزد خداوند، چون مثل آدم است که او را از خاک بیافرید و به او گفت: موجود شو. پس موجود شد.»

۲. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ»<sup>۳</sup> «ما آدمی را از گل خشک، از لجن بوی‌ناک آفریدیم.»

اصل معنای «صلصال» عبارت است از صدایی که از هر چیز خشکی چون میخ و امثال آن به گوش برسد، و اگر گل خشکیده را صلصال گفته‌اند همچنان که در قرآن (مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ) آمده، بدین جهت است که وقتی روی آن راه می‌روند صدا می‌کند. کلمه «صلصله» به معنای آب باقیمانده، و «حماً» نیز گلی سیاه و متعفن است.

۳. «... وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ»<sup>۴</sup> «آدمی را نخست از خاک (بست بدون حسن و کمال) بیافرید آنگاه خلقت، نژاد و نوع او را از چکیده‌ای از آب بی‌قدر (و نطفه بی‌حس) مقرر گردانید.»

بنابراین، آیه شریفه خلقت نوع انسان را بیان می‌کند؛ زیرا خلق کردن اولین موجودی که بقیه افرادش از آن منشعب می‌شوند، در حقیقت خلق کردن همه آنها است.<sup>۵</sup>

۴. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ

۱. اول تیموتائوس، ۲: ۱۳-۱۴.

۲. آل عمران/ ۵۹.

۳. حجر/ ۲۶.

۴. سجده/ ۷-۸.

۵. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۲۲۳.

أَدَشَّانَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۱</sup> «و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آنگاه لخته خون را پاره‌گوشتی ساختیم و پاره‌گوشت را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.»

کلمه «سُلَالَةَ» در آیه، به معنای عصاره و کلمه «عَلَقَةً» به معنای خون غلیظ و بسته‌شده و کلمه «مُضَغَّةً» به معنای پاره‌گوشت بدون استخوان است. امام باقر فرمودند: مراد از «خُلُقًا آخَرَ»، دمیده شدن روح در بدن است.<sup>۲</sup>

در حقیقت نخستین آیه، به آغاز وجود همه انسان‌ها اعم از آدم و فرزندان او اشاره می‌کند که همه به خاک بازمی‌گردند و از گل برخاسته‌اند؛ اما دومین آیه، به تداوم نسل آدم از طریق ترکیب نطفه نر و ماده و قرار گرفتن در قرارگاه رحم اشاره دارد.<sup>۳</sup> علامه طباطبایی معتقد است که مراد از انسان در جمله «و بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»، فرد فرد آدمیان نیست، تا گفته شود که خلقت فرد فرد از گل نبوده؛ بلکه مراد، نوع آدمی است و خداوند می‌فرماید: مبدأ پیدایش این نوع، گل بوده که همه افراد منتهی به وی می‌شوند و خلاصه، تمامی افراد این نوع از فردی پدید آمده‌اند که او از گل خلق شده، چون فرزندان او از راه تناسل و تولد از پدر و مادر پدید آمده‌اند و مراد از آن فردی که از گل خلق شده، آدم و حوا • است.

علامه سپس می‌افزاید، دلیل گفتار ما این است که دنبال جمله مورد بحث می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»؛ یعنی سپس نسل او را از آبی بی‌مقدار خلق کرد. این تعبیر می‌فهماند که منظور از مبدأ خلقت انسان، همان اولین فردی است که از گل خلق شده، نه فرد فرد انسان‌ها، که از آبی بی‌مقدار خلق شده‌اند، تا معنا چنین شود که خدا ابتدای انسان‌های مخلوق از آب بی‌مقدار را، از گل قرار داد. زیرا اگر مراد این بود، جا داشت بفرماید: «ثُمَّ جَعَلَهُ سُلَالَةً مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (یعنی همان انسان را سلاله و خلاصه‌ای کرد از آبی خوار و بی‌مقدار)، و دیگر حاجت به ذکر واژه «نسل» نبود! چون کلمه نسل به معنای ولادت و جدا شدن فرزند از پدر و مادر است، و

۱. مؤمنون/۱۲-۱۴.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۸۷.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

مقابله بین «بدء خلق» و بین «نسل» به‌خوبی می‌فهماند که مراد از انسان، نوع اوست که ابتدای خلقتش از گل، و نسلش از آب مهین است.<sup>۱</sup>

۵. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛ «ای مردم، بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند، و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید و دربارهٔ ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست.»<sup>۲</sup>

منظور از «نفس» به‌طوری که از لغت برمی‌آید، عین هرچیز است و نفس، چیزی است که انسان بواسطهٔ آن انسان است و آن، عبارت است از مجموع روح و جسم در دنیا و روح به تنهایی در زندگی برزخ. و از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از «نفس واحد» آدم • و مراد از «زوجها» حوا باشد که پدر و مادر نسل انسان است که ما نیز از آن نسل هستیم، و از ظاهر قرآن کریم برمی‌آید که همهٔ افراد نوع انسان به این دو تن منتهی می‌شوند؛ زیرا در همین آیه فرمود: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا».

این آیه می‌خواهد بیان کند که افراد انسان از حیث حقیقت و جنس، یک واقعیت‌اند، و با همهٔ کثرتی که دارند همه از یک‌ریشه منشعب شده‌اند، لذا فرمود: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...». ملاحظه می‌کنید چنین معنایی با این احتمال که مراد از «نفس واحد» و «زوج او» تمامی نر و ماده‌های بشری باشد نمی‌سازد. گذشته از این دلیل، آن معنا با غرضی که سورهٔ نساء آن را تعقیب می‌کند سازگاری ندارد. ظاهر جملهٔ مورد بحث یعنی جملهٔ «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» این است که می‌خواهد بیان کند، همسر آدم از نوع خود آدم بود، و انسانی بود مثل خود او، و این همه افراد بی‌شمار از انسان، که در سطح کرهٔ زمین منتشر شده‌اند، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم منشأ گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

برخی مفسران از این تعبیر، چنین فهمیده‌اند که همسر آدم یعنی حوا، از بدن آدم آفریده شده و پاره‌ای از روایات غیرمعتبر را که می‌گوید، حوا از یکی از دنده‌های آدم

۱. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، ج ۱۶، ص ۳۷۳.

۲. نساء/۱.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، ج ۴، ص ۲۱۴.

آفریده شده شاهد گرفته‌اند!

اما با توجه به سایر آیات قرآن، هرگونه ابهامی از تفسیر این آیه برداشته می‌شود و معلوم می‌شود منظور آیه، این است که خداوند همسر او را از جنس او (جنس بشر) آفرید. در آیه ۲۱ سوره روم می‌خوانیم:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛ «از نشانه‌های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش گیرید.» و نیز در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»؛ «خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد.»

معنی «همسران شما را از شما قرار داد»، این است که از جنس شما قرار داد، نه از اعضای بدن شما! و بنابر روایتی که از امام باقر<sup>۱</sup> در تفسیر عیاشی آمده، خلقت حوا از یکی از دنده‌های آدم شدیداً تکذیب شده و امام تصریح کردند که حوا از باقی‌ماندهٔ خاک آدم آفریده شده است.<sup>۱</sup>

بنابراین، آفرینش حوا پس از آفرینش آدم بوده است و قبل از آفرینش فرزندان آدم. تعبیر به «ثم» همیشه برای تأخیر زمانی نیست؛ بلکه گاهی برای تأخیر بیان نیز می‌آید. مثلاً می‌گوئیم کار امروز تو را دیدیم سپس کار دیروزت را هم مشاهده می‌کنیم.

روایتی که می‌گوید حوا از آخرین دندهٔ چپ آدم آفریده شده است، بی‌اساس است و ممکن است از بعضی روایات اسرائیلی گرفته شده باشد. این برداشت نادرست حتی برخلاف مشاهده و حس و تجربه است؛ زیرا طبق این روایت یک دندهٔ آدم برداشته و از آن حوا آفریده شد، و لذا مردان بک دنده در طرف چپ کمتر دارند؛ درحالی که می‌دانیم هیچ تفاوتی میان تعداد دنده‌های مرد و زن وجود ندارد و این تفاوت، بک افسانه بیش نیست.<sup>۲</sup>

### نتیجه

با توجه به مباحث و آیاتی که در قرآن و عهدین در مورد خلقت آدم و حوا مطرح شد، درمی‌یابیم که کتاب مقدس عبری در مورد خلقت آدم و حوا خیلی مختصر بحث کرده است. در این کتاب فقط اشاره شده که جنس آدم از خاک بوده و حوا از

۱. ناصر مکارم‌مشیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۸۱.



قسمتی از بدن آدم خلق شده است؛ ولی به مراحل و چگونگی خلقت آدم و حتی نسل او نپرداخته است. اما قرآن علاوه بر اینکه به جنس آدم و حوا پرداخته، مراحل و چگونگی خلقت آدم و حوا را به طور ویژه، و سپس مراحل خلقت نسل او را نیز بیان کرده است. برخلاف عهدین که خلقت آدم (مرد) را اصل و حوا (زن) را فرع و از بدن آدم و مرد می‌داند، قرآن خلقت زن و حوا را مستقل دانسته و زن را طفیلی مرد و از دنده او نمی‌داند. بنابر تفاسیر امامیه، حوا از باقی مانده خاک آدم آفریده شده است. نگاه قرآن به زن کاملاً انسانی است و بر این اساس حقوق او محترم و مستقل در نظر گرفته شده است.

### منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس (چاپ انجمن پخش کتب مقدسه).

۱. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، انتشارات دار صادر، چ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، آیات عشق، قم، ۱۳۸۲ش.
۳. توقیفی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵. صلواتی زاده، مسعود، نردبان سقوط (اسرائیلیات رد پای یهود در تفسیر و حدیث)، سبط النبی، قم، ۱۳۸۸ش.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ق.
۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۸. فراهیدی خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۹. قرائتی محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۰. قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۱. معین محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ش.

۱۲. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. مهیار رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۴. هندی نیشابوری، میرحامدحسین، عبقات الأنوار فی امامة ائمة الاطهار، کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین •، اصفهان، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. واحد تدوین کتب درسی، شناخت ادیان، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم، ۱۳۸۰ ش.